

روزنه

گام‌هایی برای اروپایی شدن

محمود فاضلی

■ بخشنامه اخیر دولت ترکیه مبنی بر اینکه تملعی اموال غیرمنقول و گورستان‌های متعلق به بنیادهای وابسته به اقلیت‌های مذهبی مقیم این کشور که از سوی دولت ترکیه در گذشته مصادره شده، به صاحبان آنها بازگردانده خواهد شد، با استقبال سازمان‌ها، نهادهای حقوق بشری و از جمله دولت یونان و سراسقف‌گری ارتدوکس‌های جهان در استانبول روبه‌رو شد. در این بخشنامه که مانند یک حکم قانونی تلقی می‌شود، آمده است «بنیادهای متعلق به اقلیت‌ها در طول ۱۲ماه باید برای تحویل گرفتن اموال خود به دولت این کشور مراجعه کنند. بهای اموال و دارایی‌های اقلیت‌ها که به شخص ثالث واگذار شده، بر اساس نرخ روز محاسبه و به صاحبان اصلی آن پرداخت خواهد شد.» گفته می‌شود بیش از ۳۰۰قطعه از اموال غیرمنقول متعلق به ۲۴ بنیاد وابسته به ارمنه ترکیه و نزدیک به یک هزار مورد از اموال غیرمنقول متعلق به ۸۱بنیاد رومی در ترکیه از ۷۵سال پیش توسط دولت ترکیه مصادره شده است.

بسیاری از کارشناسان حقوقی و مذهبی این اقدام ترکیه را حرکتی انقلابی و شجاعانه توصیف و آن را موجب پایان یافتن اقتدار نظامیان ترکیه دانسته و گامی اساسی در راه بازگردادن حاکمیت قانون در این کشور می‌دانند. از دیدگاه آنها این اقدام آنکارا پایان لکه سیاه و ننگ این کشور در نقض حقوق اقلیت‌های این کشور محسوب می‌شود. از نگاه این کارشناسان، این اقدام موجب بهبود اعتبار و وجهه بین‌المللی ترکیه و گام بلند این کشور در مسیر عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا خواهد بود.

همان‌طور که انتظار می‌رفت، این اقدام ترکیه با استقبال دولت سوسیالیست یونان روبه‌رو شد. این کشور که از منتقدان جدی سیاست‌های حقوق بشری و ترکیه در دهه‌های اخیر است، بارها آنکارا را به نقض حقوق اقلیت‌ها به ویژه اقلیت ارتدوکس مقیم این کشور که جمعیت آن به‌شدت رو به کاهش است، متهم کرده است. دلاوکراس سخنگوی وزارت خارجه یونان «تصمیم اخیر دولت ترکیه جهت بازگرداندن اموال و املاک موسسات خیریه اقلیت‌ها را گامی مثبت ارزیابی کرد.» به گفته وی «تصمیم دولت ترکیه در چارچوب پروسه اجرایی اصلاحات و اجرای وظایفی است که این کشور در مقابل اتحادیه اروپایی و شهروندان ترکیه دارد. تصمیم یاد شده گامی مثبت است اما هنوز مسیر طولانی در پیش است.» به ادعای وی «حایز اهمیت است که رویکرد حکومت ترکیه در مقابل اقلیت‌ها تغییر یابد. رویکردی که عامل اصلی آن حکومت ترکیه بوده، نه عامل خارجی. این اقدام ترکیه گام مثبتی است اما باید منتظر نتایج بعدی آن بود.»

آقای وارنولومئوس رهبر کلیسای ارتدوکس‌های جهان نیز که رهبری معنوی بیش از ۱۸۰میلیون ارتدوکس جهان را برعهده دارد، بیش از همه نگران وضعیت مراکز مذهبی ارتدوکس‌ها در شهر استانبول است. وی که تحصیلات مذهبی خود را در مدرسه آموزشگاه الاهیات خالکی و موسسه تحصیلات شرقی رم گذرانده است، از تصمیم دولت ترکیه استقبال و ابراز امیدواری کرد تا جهت برقراری عدالت، دولت ترکیه تصمیمات دیگری اتخاذ کند. به گفته وی از آنجا که در ترکیه حکومت قانون وجود دارد، باید تمامی بی‌عدالتی‌ها و کمبودهای موجود برطرف شود. وارنولومئوس پس از انتخاب به‌عنوان پاتریک اعظم ارتدوکس‌های جهان درسال ۱۹۹۱ بارها بر بازگشایی مدرسه «رهبان ارتدوکس در جزیره «هیبلی» ترکیه که از مهم‌ترین مراکز تعلیم و تربیت روحانیون این مذهب در جهان به‌شمار می‌رود، تأکید کرده است. وی در مدت ۲۰سال احراز این پست به طرق مختلف از جمله دیدار با رهبران سیاسی و مذهبی ترکیه بر بازگشایی مراکز ارتدوکس در ترکیه تأکید کرده است. دولت وقت ترکیه درسال ۱۹۷۱ با استناد به حکم قانون اساسی این کشور که مدارس عالی خصوصی در این کشور را به انحصار دولت درآورد، این مدرسه را تعطیل کرد.

وارنولومئوس البته دارای مخالفان متعصبی در ترکیه است. حتی اعلم قشار آمریکا و اتحادیه اروپا به ترکیه برای تبدیل شدنن شهر استانبول به مرکز ارتدوکس و تبدیل پاتریکخانه این شهر به مقر جهانی ارتدوکس‌های جهان در محافل دولتی و اسلامی ترکیه، نشانه تلاش جهان مسیحیت برای تبدیل این شهر به «اتیکان ارتدوکس‌ها» تلقی شده است. گروهی دیگر از ارتدوکس‌های ترکیه موسوم به «ارتدوکس‌های مستقیم ترکیه» مدعی هستند پاتریکخانه یاد شده از سال‌ها قبل با نقض حاکمیت ترکیه سعی در شناساندن خود به عنوان مرکز ارتدوکس‌های جهان داشته وفعالیت‌های غیرقانونی داشته‌است. اتهامی که بارها از سوی اسقف‌گری رد شده و تأکید شده است «حتی که مورد فعالیت غیرقانونی از سوی کلیسای ارتدوکس وجود ندارد.»

این اقدام ترکیه در حالی است که این کشور در سال‌های اخیر گام‌های اساسی را برای پیوستن به اتحادیه اروپا برداشته است و حتی عبدالله گل رئیس‌جمهوری ترکیه قانون اساسی فعلی ترکیه (که در سال ۱۹۸۲ میلادی و پس از کودتای نظامی ترکیه تدوین شده است) را در شأن این کشور نمی‌داند. به گفته وی «بسیاری چیزها در ترکیه تغییر یافته و این قانون هم که متعلق به گذشته است، باید تغییر کند. ترکیه نیازمند یک قانون اساسی جدید منطق با نیازهای کنونی است.» تدوین قانون اساسی جدید در دستور کار نخست‌وزیر، حزب حاکم عدالت و توسعه و رئیس مجلس ملی ترکیه قرار دارد.

مساله حمله به سفارت اسرائیل در قاهره در درون مصر و در بین نیروهای فعال سیاسی این کشور بازتاب‌های متفاوت و حتی متناقضی داشت. آنچه در اینجا می‌خوانید دیدگاه‌ها و موضع‌گیری گروه‌های مختلف سیاسی و دینی مصر درباره این حادثه و رویکرد آنها نسبت به پیامدهای این ماجراست.

تظاهرات روز جمعه گذشته تحت عنوان «تصحیح روند انقلاب» جمعی بود که از پیش، از سوی گروه‌های اسلام‌گرا از جمله اخوان المسلمین و سلفی‌ها تحریم شده بود. آنها به وضوح اعلام کرده بودند در این تجمع شرکت نخواهند کرد. با این حال مردم مصر که هنوز ثمرات انقلاب خود را ندیده‌اند به خیابان‌ها ریختند تا بر تصحیح روند انقلاب‌شان فشاری کنند اما به دلیل بر روز تنش‌های جدید بین مصر و اسرائیل به‌خصوص پس از کشته شدن چند سرباز مصری در منطقه ایلات توسط نیروهای اسرائیلی و کوتاهی دولت عصام شرف و حاکمان نظامی در قبال اسرائیلی‌ها، مردم خشمگین در یک حرکت خودجوش به سمت سفارت اسرائیل به راه افتاده و پس از شکستن دیوار حایل مقابل سفارت، ساختمان سفارت را برای ساعاتی به تصرف خود درآوردند. پس از آن بود که با دخالت نیروهای پلیس و ارتش تعدادی از معترضان دستگیر و بقیه از ساختمان اخراج شدند گفته می‌شود این تصمیم پس از تماس تلفنی باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل از یک سو و با عصام شرف نخست‌وزیر مصر از سوی دیگر اتخاذ شده است. این دومین بار پس از انقلاب ماه ژانویه بود که مردم معترض، سفارت اسرائیل را هدف قرار می‌داندند.

پس از این ماجرا بود که گروه‌های مصری اقدام به اعلام مواضع کردند. برخی اشغال سفارت را محکوم و آن را ضربه‌ای به حیثیت ملی کشور قلمداد کرده و برخی دیگر به تشویق تظاهرات نگذاشتگان پرداخته بودندو این اقدام را زاییده خشم افسارگسیخته مردمی دانستند که به مدت سه دهه به دلیل تداوم سیاست ذلت‌پذیر دیکتاتور سابق تحقیر می‌شدند. از آن گذشته کوتاهی و تعلل حاکمان نظامی مصر در برابر اقدامات اسرائیل از جمله کشته شدن شش سرباز مصری در ایلات نیز آتش خشم توده‌های مصری را دو برابر می‌کرد.

اسلام‌گرایان

گروه اخوان المسلمین ابتدا با صدور بیانیهای به صورت کلی به این مساله پرداخت و بدون ذکر صریح حادثه خواستار توجه به شعارهای مردم و درس گرفتن از این حادثه شد. در این بیانیه از شورای نظامی حاکم خواسته شده بود به وعده‌های خود ملتزم باشد و از سیاستمداران نیز خواسته شده بود به خواست مردم احترام بگذارند. همچنین از ملت مصر خواسته شده بود، مراقب باشند و از حقوق و آزادی‌های خود دفاع کنند. اما محمود غزلان، سخنگوی رسمی گروه اخوان‌المسلمین در سخنانی که پایگاه اینترنتی المحيط آن را منتشر کرد، گفت:اشغال سفارت بیانگر ناتوانی تصمیم‌گیران سیاسی مصر در برابر تجارزات اسرائیل و واکنشی طبیعی به کشته شدن سربازان مصری به دست سفاکان صهیونیستی است. وی یادآور شد، مردم پاسخ مصری‌ها نیز مانند ترکیه قاطع و کوبنده بود، مدتی قبل نی‌دیدند تا خود راسا وارد صحنه شوند. وی هرچند دراین‌باره احتمال توطئه‌ای برای منحرف کردن مردم از خواسته‌های اصلی‌شان را بعید ندانست اما در پایان از جوانان خواست در مرحله کنونی بر اوضاع داخلی تمرکز کنند و بکوشند تا قدرت از شورای نظامی به دولتی غیرنظامی منتقل شود.

به نسبت اشغال شده که برخی منابع عربی به نقل از منابع اسرائیل این تحلیل را هم منتشر کردند که در آنها گفته می‌شد اشغال سفارت اسرائیل زیر سر طرفداران رجب طیب اردوغان است، زیرا او می‌خواهد قهرمان ملی اعراب شود. به نوشته این منبع، از این رو اردوغان پیش از سفر خود به مصر از طریق ایادی‌اش دست به این کار زده است. دو روز پس از اشغال سفارت اسرائیل در قاهره رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه در سفری رسمی وارد مصر شد.

از سوی دیگر مجدی احمدحسین، رئیس حزب الشعب مصر و سردبیر روزنامه‌ای به همین نام در سرمقاله‌ای نوشت، بارها گفته و نوشته‌ام که اسرائیل از درون دچار از هم‌گسختگی است و فعالانی که از این رژیم می‌ترسند یا به دلیل منافع خودشان

این روزها اسرائیل دو سیلی محکم و آبدار دریافت کرده است. یکی از طرف ترکیه و دیگری مصر. در هر دو حالت پاسخ اسرائیل در آن جدی نبود که پیش از این سابقه داشت. دولت ترکیه سفیر اسرائیل را اخراج و همکاری‌های نظامی خود را با این رژیم قطع کرد. این پاسخی بود به عدم عذرخواهی اسرائیل به‌خاطر کشتن ۹ شهروند ترکیه در جریان حمله به کنسلی آزادی. ملت مصر نیز سفارت اسرائیل در قاهره را اشغال و سفیر این رژیم را به همراه پرسنل سفارت اخراج کردند. این اقدام نیز پاسخی بود به عدم عذرخواهی اسرائیل به خاطر کشتن چند سرباز مصری در صحرای سینا. مقامات اسرائیلی در هر دو حالت تصریح داشتند که: «همی‌خواهند اوضاع را بدتر کنند» و سعی می‌کنند خشم ترک‌ها و مصری را کنترل کنند. تهدیدهای توهانی ویکتور یبرمن وزیر خارجه اسرائیل نیز بیانگر ماهیت موضع اسرائیل نبود. در واقع برای نخستین بار اسرائیل متشنج شده و به جای اقدام مجبور به واکنش بود. حتی اظهارات بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم پس از اشغال سفارت اسرائیل در مصر نیز بیشتر میزان خوف و ترس اسرائیل را بازتاب می‌داد و در واقع بیانگر میزان تغییر در بنیان استراتژیک منطقه بود که پس از سقوط رژیم مبارک و شروع انقلاب‌های عربی در حال رخ دادن است.

تا همین چندی پیش سیاست معهود و استراتژیک اسرائیل مبتنی بر بازدارندگی سیاسی و نظامی بود که این رژیم را رژیمی قوی و پرهیبت نشان می‌داد. اگر تحولی سیاسی بود یا پیشنهادی مطرح می‌شد یا اتخاذ موضعی در سطح منطقه یا بین‌المللی صورت می‌گرفت که کوچک‌ترین فشاری را متوجه اسرائیل می‌کرد، این رژیم بلااستثنا به همه پاسخ می‌داد و از سویی هر که می‌خواست باشد، به دیوار می‌کوبید. هنگامی که در سال ۲۰۰۲ اعراب در کنفرانس بیروت برای شناسایی اسرائیل در برابر به رسمیت شناختن یک دولت فلسطینی به ۱۶۶بر مهرزای ۱۹۶۹ به صورت جمعی اعلام آمادگی کردند، آریل شارون در پاسخ به این پیشنهاد، باریکه غزه را مورد حمله قرار داد. اگر عملیاتی نظامی توسط گروه‌های فلسطینی علیه اسرائیل صورت می‌گرفت، پاسخ اسرائیل همیشه هولناک و ویران‌کننده بود. حتی گاه دایره این پاسخ چنان گسترده می‌شد که کل منطقه را فرا می‌گرفت و

جهان



تظاهرات

مواضع متناقض مصری‌ها درباره حادثه اشغال سفارت اسرائیل

چه کسی به سفارت حمله کرد؟

محمدعلی عسگری

است یا به خاطر بیمی که از آمریکا دارند. وی در سرمقاله خود اشاره کرد که یهودیان جهان ۱۲۱۵میلیون نفر هستند که تنها ۱۶میلیون آنها به دلیل پروژه‌های صهیونیستی به این منطقه مهاجرت کرده‌اند و اکنون مسیر این مهاجرت برعکس شده و دوباره دارند برمی‌گردند، بنابراین رژیم اسرائیل رو به زوال بوده و

جالب اینک جریان‌های اسلام‌گرای مصر اشغال سفارت اسرائیل را محکوم کردند و حتی برخی از آنان این اقدام را از سوی دست‌هایی ناشناس برای منحرف کردن مسیر انقلاب عنوان کردند. چنانکه مهندس عصام عبدالعالم‌مدیر دفتر رسانه‌ای جماعت اسلامی مصر اشغال سفارت را طرچی برای تعطیل هیأت‌های اسلامی مصر اشغال سفارت اعدا قدرت به مردم و به تعویق افتادن انتخابات پارلمانی و باقی ماندن شورای نظامی بر سر قدرت و از سرگیری سیاست‌های رژیم سابق دانست و آن را محکوم کرد. همچنین طارق الملط، سخنگوی حزب الوسط مصر نیز دراین‌باره گفت: اشغال سفارت دو وجه دارد: یکی تخریب دیوار و پایین

شدن روند اعاده قدرت به مردم؛ به تعویق افتادن انتخابات پارلمانی؛ باقی ماندن شورای نظامی بر سر قدرت و از سرگیری سیاست‌های رژیم سابق دانست و آن را محکوم کرد. همچنین عصام عبدالغفور، نماینده حزب النور که یک جریان سلفی دیگر است، اعلام کرد: این حادثه‌ای تاسف‌بار بود که بخشی از

این شکل آشوب‌طلبانه نمی‌توان مشکلی را حل کرد. وی اضافه کرد: همه ما میهن‌پرست هستیم و باید وحدت داشته باشیم و در این مرحله از دولت دفاع کنیم تا بتواند از این مرحله عبور کند. طارق الملط، سخنگوی حزب الوسط مصر نیز دراین‌باره گفت: اشغال سفارت دو وجه دارد: یکی تخریب دیوار و پایین

بود که از هر گونه حمله احتمالی هرچند ضعیف در آینده پیشگیری کند. یک نمونه آن حمله به تانسیسات اتمی سوریه در سال ۲۰۰۷ میلادی است. این فهرست را همین‌طور می‌توان ادامه داد و طی آن مواضع سیاسی و نظامی اسرائیل را برشمرد که همگی فراتر از منطق بازدارندگی کلاسیک می‌رفت و منطقه را در نوعی غرور و یک دندگی و خودکامی فرو می‌برد. محیط بین‌المللی و منطقه‌ای پیرامون اسرائیل نیز برای چنین شرایطی آمادگی داشت و با دولت‌های اسرائیلی هم‌دست می‌شد. ضعف کشورهای عربی به خودپرستی و

خودمحوری این رژیم یروپال می‌داد و کار را به جایی می‌رساند که دیگر هیچ رقیبی نمی‌ماند و حتی تضادهای درون اسرائیل نیز محدود به جریان‌های راست و راست‌گرای افراطی شد. از نظر منطقه‌ای هم رژیم مبارک به قول اسرائیلی‌ها «گنجی مبارک به قول اسرائیلی‌ها» گنجی استراتژیک» به حساب می‌آمد

از تحولات مربوط به انقلاب‌های عربی است. انقلاب‌هایی که دیوار سیاست‌های رسمی دولت‌ها را فرو ریخت. دیواری که نمی‌گذاشت افکار عمومی مردم کوچک‌ترین تأثیری در معادله روابط با اسرائیل یا نزاع با این رژیم داشته باشد. این معادله تا پیش از این فقط در اختیار دولت‌ها و رژیم‌های مستبد بوده است که بدون توجه به افکار عمومی جامعه خود تصمیم‌گیری می‌کردند. این رژیم‌ها بودند که به تنهایی تصمیم به امضای معاهده با اسرائیل می‌گرفتند و ملت‌ها در این میان هیچ

آوردن پرچم اسرائیل که به نظر ما کمترین عکس‌العمل از سوی مردم مصر به شهادت تعدادی از فرزندان‌شان در صحرای سینا بود. کمترین کار دراین‌باره آن بود که سفیر مصر و اسرائیل فراخوانده شوند و فوری‌ترین کار این بود که دست‌کم این دیوار حایل برچیده شود. این حزب در دیدگاه دوم خود نوشت: از نظر ما تخریب ساختمان‌های متعلق به پلیس یا تجاوز به افراد محکوم است، زیرا این اموال به ملت تعلق دارد.

باسل عادل، عضو شورای رهبری حزب مصری الاحرار نیز گفت: این حزب هر گونه خشونت و تجاوز به ساختمان‌های دولتی و استراتژیک از جمله سفارت اسرائیل را رد می‌کند و در عین حال با سرکوب معترضان نیز مخالف است. ناجی الشهابی، رئیس حزب الجبل این حادثه را از سوی کسانی می‌داند که هیچ ارتباطی با انقلاب ۲۵ ژانویه ندارند. وی معتقد است این عملیات از پیش طراحی شده بود. از آن گذشته ورود به خاک یک کشور دیگر مجاز نیست و باید به آن توجه داشت. حزب جوانان مصر نیز این حادثه را محکوم کرد و آن را غیرمسئولانه دانست. این حزب با صدور بیانیه شددیدالحنی خواستار بازداشت و محاکمه همه عاملان این حادثه و کسانی شد که ساختمان‌های استراتژیک را در جزیره و قاهره به آتش کشیده‌اند. احمد عبدالهادی، رئیس این حزب از همه فعالان سیاسی مصر خواست که چنین اقداماتی را به دلیل مغایر بودن با ثبات کشور تقبیح کنند.

همچنین علا شلبی، دبیرکل جمعیت حقوق بشر مصر با ابراز تاسف از وقوع چنین حادثه‌ای گفت این اتفاق پیامی منفی را به جهانیان مخابره می‌کند مبنی براینکه مصر قادر به تأمین امنیت سفر تخته‌ها و دیپلمات‌های کشورش نیست.

سعد عبود، یکی از رهبران حزب کرامت با اشاره به این حادثه گفت: حجم تحقیر و سرافکندگی رژیم سابق در برابر رژیم صهیونیستی امروزه و پس از انقلاب به خشم افسارگسیخته‌ای تبدیل شده است. وی در عین حال یادآور شد که دولت باید از سفارت اسرائیل حراست کند و این امر نیازی به توصیه آمریکا ندارد و مصر نخستین دولتی نیست که چنین اتفاقی در آن رخ می‌دهد. عمرو جرج، دبیرکل حزب آزادی و عدالت نیز گفت با تظاهرات مسالمت‌آمیز موافق است اما اشغال سفارت ما را وارد دایره‌ای از فشارهای سیاسی بر مصر می‌کند. وی افزود: بسته شدن این سفارت خوب است اما اشغال آن مشکلات متعددی را برای مصر به وجود می‌آورد. حزب العدل نیز با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد ضمن محکوم کردن این اتفاق، آن را به نفع رژیم صهیونیستی دانست. این حزب هر گونه اعمال خرابکارانه را تشنیز از این محکوم کرد و گفت مردم باید خواسته‌های خود را به دولت منتقل کرده و از دولت بخواهند تا آنها را پیگیری کند، نه اینکه خود راسا اقدام به اشغال سفارت‌های کنند.

در این میان حزب العد (فرقا) به رهبری ایمن النور، از شخصیت‌های برجسته مصری ضمن محکوم کردن اشغال سفارت اسرائیل در قاهره اعلام کرد این اشغال با هر هدفی که انجام شده باشد حتی هدفی از رشدنند حکومت است. محمد البرادعی، نامزد اتحادیه آینده برای ریاست‌جمهوری مصر نیز که از شخصیت‌های بین‌المللی و معروف مصر است حمله به سفارت اسرائیل در مصر را عملی غیرمسئولانه خواند و از شورای نظامی حاکم در مصر خواست نقشه جدیدی برای انتقال به دموکراسی تدوین کند. به گزارش سایت خبری ایلاف، محمد البرادعی با اشاره به اینکه دولت وظیفه دارد تا حمایت از تمامی ساختمان‌ها و موسسات دولتی را برعهده بگیرد، افزود: اما این امر چیزی است که هم‌اکنون به صورت قانونمند و منطقی در کشور اجرائی نمی‌شود. البرادعی با اشاره به حوادث حمله به سفارت رژیم صهیونیستی در مصر افزود: اگرچه دلایل زیادی برای محکومیت سیاست‌های اسرائیل در قبال فلسطین وجود دارد، اما باید نسبت به آنچه در صحرای سینا رخ داد و تهدیدهای شش نفر از فرزندان ملت اطلاع‌رسانی کافی می‌شد. اکنون به دلیل نبود این آگاهی ما باید متأسفانه شاهد عملیات غیرمسئولانه‌ای همانند حمله به سفارت اسرائیل باشیم و این چیزی است که خشم ملت مصر را نشان می‌دهد که کشور ما را در موضعی مخالف با تعهدات بین‌المللی خود قرار می‌دهد و این چیزی است که باید از آن پرهیز شود.

نقشی نداشتند. این درحالی بود که هرگونه معاهده صلحی با اسرائیل باید از طریق کنیست (پارلمان) اسرائیل می‌گذشت و در چارچوبی دموکراتیک درباره آن تصمیم‌گیری می‌شد اما در کشورهای عربی معاهدات صلح اسرائیل با اردن و مصر با روابط با این رژیم همه به صورت مخفی و غیرعلنی انجام می‌شد. حتی در برخی از کشورهای عربی این مساله بسنگی به مزاج شخص حاکم داشت و نیازی به هیچ‌گونه تصویبی از طریق پارلمان کشورها یا مردم نبود. از این زاویه اگر نگریسته شود، باید گفت اشغال سفارت اسرائیل در قاهره یک نقطه عطف در این معادله به حساب می‌آید و دو مرحله از تاریخ اعراب را از هم تفکیک می‌کند. مرحله‌ای که در آن اسرائیل از طریق رژیم‌های عرب مورد حمایت قرار می‌گرفت و مرحله دیگری که اسرائیل خود را در برابر ملت‌های منطقه می‌بیند. مرحله‌ای که اسرائیل باید طی آن تاوان سیاست‌های یک جانبه و لجوجانه‌اش و نیز چند دهه تحقیر ملت‌های منطقه، بپردازد. یکی از همسایه‌های غیرعرب ما ترکیه است که با تغییراتش، تحولی اساسی را در منطقه به وجود آورد. در واقع ترکیه اردوغانی با ترکی عرب‌گرای آن دوران بسیار متفاوت است. ترکیه آن دوران یکی از متحدان تنگاتنگ اسرائیل بود و با این رژیم روابط همکاری استراتژیک و نظامی گسترده‌ای داشت. ترکیه در حال حاضر تعریف جدیدی از خود رایبه می‌دهد و می‌خواهد نقشی منطقه‌ای داشته باشد. این حق این کشور است که به خاطر فقدان یک رهبری روشن در منطقه چنین رویایی داشته باشد. روند تشدید مواضع ترکیه نسبت به اسرائیل طی سال‌های گذشته به صورت مستمر و به رشد بوده است. این مساله برای ملت‌های منطقه از جمله مصر نیز الهام بخش بود و آنها را بر آن داشت که به سفارت اسرائیل حمله کنند. به‌خصوص اینکه اسرائیل به خاطر کشتن تعدادی از سربازان مصری حاضر به عذرخواهی نشد. به این ترتیب باید گفت سیاست ترکیه انتظارات مردم را در سراسر منطقه بالا برد و به آنها نیز یاد داد که با اسرائیل چگونه برخورد کنند. این حاصلی است که اکنون اسرائیل به خاطر اعمال گذشته خود باید رد کند و این مساله، روزهای سختی را برای اسرائیل تدارک خواهد دید.

منبع:الاتحاد

دیدگاه

اهداف اردوغان از سفر به شمال آفریقا



دکتر صمد قائم‌پناه*

■ اردوغان نخست‌وزیر ترکیه به همراه هیات دولت خود و فعالان بخش خصوصی برای سفر دیپلماتیک سه روزه از روز دوشنبه هفته جاری وارد کشورهای شمال آفریقا شده است. اصولا حزب عدالت و توسعه پس از دستیابی به قدرت سیاسی از سال ۲۰۰۲ میلادی در راستای اتخاذ دیپلماسی چندجانبه و عمل‌گرایی خویش حضور پررنگ و فعالی در تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای به ویژه منطقه خاورمیانه و کشورهای جهان اسلام داشته است.

انتخاب این حزب توسط مردم ترکیه در انتخابات پارلمانی در ۲۲خرداد امسال برای بار سوم برای اداره کشور توسط شهروندان ترکیه مهر تأییدی بر مواضع این حزب در مسایل داخلی و همچنین مسایل بین‌المللی و منطقه‌ای می‌تواند تلقی شود که موجب شده است که رهبران این حزب با اعتماد به نفس و مشروعیت بیشتر مواضع و سیاست‌های خود را در حوزه منطقه‌ای و بین‌المللی دنبال کنند.

ترکیه به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و تأثیرگذار از زمان شکل‌گیری تحولات منطقه شمال آفریقا و خاورمیانه تحرکات دیپلماتیک خود را آغاز کرده که آخرین اقدام آن هم‌اکنون با سفر اردوغان به این کشورها بعد از به ثمر نشستن نسیی اهداف انقلابیون و معترضان در حال انجام است.

اهداف اردوغان از سفر به این کشورها را در این موارد می‌تواند بیان شود: اول اینکه همان‌طور که بیان شد، ترکیه جزو اولین کشورهای منطقه‌ای بود که از ابتدای شکل‌گیری تحولات بهار عربی در این کشورها در کنار مردم و معترضان بود و از مواضع آنها حمایت کرده و در عرف دیپلماتیک خیلی بدیهی و مرسوم است که بعد از ایجاد تغییرات و سرنگونی رژیم‌های دیکتاتوری در کشورها در ملاقات حضوری هم جزو اولین دولتمردان جهانی باشد که از این کشورها بازدید به‌عمل آورد و از نزدیک موفقیت مردم و رهبران مخالفن رژیم‌های سابق را به آنها تبریک بگوید. با توجه به اینکه حزب عدالت و توسعه در طول حیات سیاسی خود تجربه تلخی از سایه اقتدارگرایان نظامی در ترکیه در حافظه خود دارد و بعد از دستیابی به قدرت سیاسی تمایل خیلی زیادی برای توسعه و گسترش روابط با دیکتاتورهای نظامی حاکم در برخی از کشورهای پیرامونی نداشته و اردوغان طی یک اظهار نظر قبل از سفر به این کشورها موضع سابق حزب متبوع‌اش را در این بیان که «ترکیه تاکنون حضور چندانی در این کشورها نداشته است» مورد تأیید قرار داد. دوم اینکه جهان در آستانه برگزاری اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل قرار دارد و بر اساس پیش‌بینی‌ها قرار است در این اجلاس دولت مستقل فلسطینی توسط محمود عباس رهبر تشکیلات خودگردان فلسطین در مجمع عمومی اعلام موجودیت کند و اردوغان برای رایزنی و همفکری با رهبران کشورهای عربی در این خصوص قبل از شرکت در اجلاس، یکی از اهداف سفر او باشد. با توجه به اینکه شرکت در نشست شورای اتحادیه عرب و سخنرانی اردوغان در آن و ملاقات با محمود عباس در مصر جزو برنامه‌های سفر است. (هر چند قرار بود که اردوغان با سفر به غزه حمایت ترکیه را از تشکیل دولت مستقل فلسطین اعلام کند که به دلایل نامعلومی این سفر منتفی شد).

سوم اینکه یکی از سیاست‌های حزب عدالت و توسعه از زمان روی کار آمدن ، ورود به اتحادیه اروپا بوده است که تاکنون تحقق پیدا نکرده و با توجه به فرصت پیشش آمده ترکیه برای اثبات هژمونی منطقه‌ای و ایفای نقش فعال خود در منطقه و نشان دادن اهمیت خود در تحولات منطقه و افتاح رهبران کشورهای اروپایی است که در صورت عضویت در این اتحادیه می‌تواند نقش مهمی در تأمین منافع مشترکشان ایفا کند. چهارم اینکه انتقال حکومت در کشورهای مذکور در مرحله نهایی خوداست و ایجاد ساختار و نظام سیاسی جایگزین یکی از دغدغه‌های رهبران مخالفان است و مدل حکومتی ترکیه در کنار مدل حکومت جمهوری اسلامی ایران از جدی‌ترین مدل‌های حکومتی احتمالی برای انقلابیون این کشورهاست و در حالی که تهران در حال تدارک میزبانی اجلاس بیداری اسلامی است و به طور نظری روی این موضوع کار می‌کند. ترکیه با توجه به عمل‌گرایی سیاست خارجی خود عملا وارد صحنه شده و به نظر می‌رسد از ایران پیشی گرفته و با توجه به استقبال اعضای ارشد اتحادیه مسلمین از اردوغان طی این سفر می‌تواند ترجمان تأیید مدل حکومتی ترکیه و سیاست‌های ضداسرائیلی به مواضع آن در خصوص قضیه فلسطین باشد و در نهایت اینکه به نظر می‌رسد بیا توجه به سیاست موقعیت‌شناسی و ضدطلبی، حاکم شدن احساسات ضدآمریکایی و فراسرائیلی در این کشورها و نیازه‌ای دولت‌های آینده به انعقاد قراردادهای نظامی و اقتصادی، با توجه به ظرفیت و پتانسیل‌های خود یکی از کشورهایی باشد که بتواند این خلأ را پر کند.

*کارشناس خاورمیانه